

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتادونهم

پاییز ۱۳۹۸

جستاری درباره زید بن ثابت و نقش او در تاریخ نگارش قرآن

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۱۵

۱ علیرضا زکی زاده رنانی

۲ مجید فقیه حبیب آبادی

۳ سید محسن مکسبی

مسئله جمع آوری قرآن و نقش تعیین کننده زید بن ثابت (د. ۵۵ق) موضوعی مهم و بحث برانگیز در تاریخ قرآن کریم است. مطالب موجود در منابع مربوط به علوم قرآنی، بازتاب دهنده نگاهی خوش بینانه به زید است. این مقاله با روش وصفی تحلیلی به بازبینی این نگاه و دیدگاه مستشرقانی مانند شوالی، جان برتون و بلاشر درباره نقش زید بن حارثه می پردازد. مقاله با فرض جمع قرآن، پس از پیامبر ﷺ و با پرسش درباره چرایی گمارده شدن زید به این مسئولیت، به واکاوی روایت ها و گزارش ها می پردازد. این بررسی، فضیلت سازی های بحث برانگیز و بزرگ نمایی های بسیار درباره زید و تقویت فرضیه ادای دین از سوی خلفا را به دلیل نقش زید در سقیفه نشان می دهد.

۱. دکتری شیعه شناسی، محقق و پژوهش گر (a.zakizadeh@ymail.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان (majidfaghih@yahoo.com).

۳. کارشناسی زبان انگلیسی مطالعات اسلامی دانشگاه باقرالعلوم (maksabi@bou.ac.ir).

کلیدواژگان: زید بن ثابت، جمع قرآن، تاریخ قرآن، جبر الأمة، مستشرقان.

۱. مقدمه

یکی از موضوعات تاریخ اسلام که نیاز به بررسی دقیقی دارد، مسئله جمع‌آوری و تدوین قرآن است. در موضوع جمع‌آوری و تدوین قرآن به‌طور کلی، دو محور را می‌توان ترسیم کرد. یکی زمان جمع‌آوری و تدوین و دیگری نقش افراد در این امر است. درباره محور اول، سه دیدگاه مطرح است. دیدگاه نخست که جمع‌آوری قرآن را در زمان پیامبر ﷺ می‌داند. دیدگاه دوم که بیان می‌کند، قرآن در زمان خلفا جمع‌آوری شده است و دیدگاه سوم که جمع‌آوری و تدوین قرآن را پس از خلفا نشان می‌دهد.

زید بن ثابت (د. ۴۵ ق) یکی از چهره‌های سرشناس در کتابت قرآن است که درباره او زیاد گفت‌وگو شده است. در مقاله حاضر با بررسی فراوان معلوم گردید که در معرفی این شخصیت، فضیلت تراشی‌هایی انجام گرفته است که یا وجود خارجی نداشته است و یا اگر وجود داشته است در حد اغراق به آن پرداخته شده است. در این مقاله به جهت شناخت بهتر و بیشتر زید بن ثابت، ابتدا روایات پیرامون شخصیت علمی و نقش زید در کتابت قرآن تحلیل می‌گردد. سپس، آرای مستشرقان پیرامون زید بن ثابت نقد و بررسی می‌شود.

۲. شخصیت علمی زید

یکی از ابعاد شخصیتی زید بن ثابت که گفتارهای گوناگونی پیرامون آن وجود دارد، شخصیت علمی او است. در این راستا، لقب جبر الامّة^۱، قضاوت و فتوای زید، موضوع تفسیر قرآن، متخصص امر تقویم بودن و ارتباط او با افرادی، چون ابن عباس (د. ۶۸ ق) و ابن مسعود (د. ۳۲ ق) مهم‌ترین مواردی هستند که در این مقاله بررسی می‌شوند.

۱. دانشمند امت. جبر در لغت به معنای اثر پسندیده است و عالم را از آن جهت جبر می‌گویند که اثر علم و عملش می‌ماند. جمع آن اجبار است و بیشتر ناظر به علمای یهود است. چنان‌که درباره علمای نصارا، واژه قسیسین به کار برده می‌شود (علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۹۶).

۲-۱. زید مهتر قضاوت و فتوا

درباره مسئله قضاوت و صدور فتوا که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های علمی زید است در روایات آمده است که او صاحب فتوا و داناترین مردم به قضاوت و علم میراث و صاحب علمی بود که دیگران نمی‌دانستند تا جایی که خلفا هرگز کسی را در امر قضاوت و فتوا بر او مقدم نمی‌کردند. در این باره می‌گویند:

زید در عهد عمر و عثمان و علی که در مدینه بود، در رأس قضاوت و فتوا و قرائت و فرایض بود و پس از آن، نیز پنج سال چنین بود تا این که در سال چهارم هجری معاویه سر کار آمد و او به این کار اشتغال داشت و در سال چهل و پنج هجری از دنیا رفت.^۱

انس بن مالک (د. ۹۱ ق) در روایتی در این باره می‌گوید:

رسول خدا، ابوبکر (د. ۱۲ ق) را مهربان‌ترین، عمر (د. ۲۳ ق) را محکم‌ترین، عثمان (د. ۳۵ ق) را باحیاط‌ترین‌ها در دین خدا، زید بن ثابت را عالم‌ترین به فرایض و تقسیم ارث، ابی بن کعب (د. ۲۰ ق) را بهترین قاری، معاذ بن جبل (د. ۱۸ ق) را داناترین افراد به حلال و حرام‌ها و ابو عبیده بن جراح (د. ۱۸ ق) را امین و معتمد امت شمرده‌اند.^۲

صاحب طبقات الکبری در این باره می‌نویسد:

سعید بن مسیب (د. ۹۵ ق) در همه قضاوت‌ها و فتواهای خود به آنچه زید بن ثابت فتوا داده بود، رفتار می‌کرد و اگر مسئله‌ای پیچیده پیش می‌آمد که فتوای برخی از اصحاب پیامبر ﷺ را که بیرون از مدینه بودند به او می‌گفتند،

۱. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۲، ص ۵۴۰.

۲. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۵؛ احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۸۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۴۱.

می‌پرسید: نظر زید بن ثابت در این باب چیست؟ که زید بن ثابت داناترین مردم به قضاوت و بیناترین مردم به اموری است که در آنها مطلبی شنیده نشده است. آن‌گاه می‌گفت: من فتوایی از زید بن ثابت نمی‌شناسم که همگان در شرق و غرب بر آن، یک کلمه نباشند و مردمان بدان عمل نکنند ولی دیگران احادیث و فتواهایی داده‌اند که هیچ‌تنی از مردمان بدان عمل نمی‌کند و توجهی نمی‌نماید.^۱

هم‌چنین در نقلی علی بن رباح در این باره می‌گوید:
عمر بن خطاب در جاییه خطبه می‌کرد و گفت: هر کس می‌خواهد در مسائل میراث سؤال کند به نزد زید بن ثابت برود.^۲

از خلیفه سوم روایت شده است که در سخنرانی خود در این باره گفت:
در مورد قرآن به ابی بن کعب و در واجبات و فرایض به زید بن ثابت و در فقه به معاذ بن جبل و در مال به من مراجعه کنید؛ زیرا خداوند مرا خزانه دار قرار داده است.^۳

نقد و بررسی

در موضوع قضاوت زید و علم او به مسئله ارث که در روایات درباره آن سخن‌ها گفته شده است چند نکته را می‌توان یادآوری کرد.

الف. در روش تقسیم ارث، زید بر نظر دیگران بوده است. محمد بن سیرین در این باره

می‌گوید:

غلام عمر از دنیا رفت. پسر عمر از زید پرسید: آیا دختران عمر از او ارث

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. همان، ص ۳۳۷.

۳. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۰.

می‌برند؟ زید در پاسخ گفت: نه، ولی اگر تو بخواهی به آنها ارث می‌دهم.^۱

ب. آن چنان که در روایت مختلف آمده است، او در فتوهای خویش استبداد رأی داشته است و با مخالفت و ملامت بزرگانی، چون عبدالله بن عباس روبه‌رو بوده است.^۲ با اندکی مطالعه در این زمینه روشن می‌شود که زید بن ثابت توجهی به قرآن مجید و سنت رسول خدا ﷺ نداشته است، اما با وجود تصریح زید بن ثابت به این موضوع، چرا خلفا به وی مرجعیت داده بودند؟ ابن قتیبه در این باره به ماجرای عبد الملک بن مروان اشاره می‌کند و می‌گوید:

معاویه، وی را به جای زید بن ثابت بر دیوان منصوب کرد. عبد الملک بن مروان هم پیرو گفتار و عمل زید بود اما پدر عبد الملک؛ یعنی مروان آن‌قدر برای زید، احترام قائل بود که روزی زید را به مجلسی خواست و در پس پرده، گروهی کاتب پنهان کرد. مروان شروع به پرسش کرد و پاسخ‌های زید را کاتبان می‌نوشتند، تا آن که زید متوجه آنان گردید و به مروان گفت: مرا معذور دار. آنچه می‌گویم اجتهاد به رأی است و رأی خود را می‌گویم.^۳

با وجود اعتراف زید به اجتهاد به رأی، سعید بن مسیب درباره او می‌گوید:
فتوایی از وی که مورد عمل قرار نگرفته باشد، نمی‌شناسم و آرای وی در شرق و غرب مجمع علیها است.^۴

هم‌چنین در این باره نقل می‌شود:

معتضد از ابوحازم قاضی پرسید: اصحاب، همگی معتقدند خویشاوندان ارث

۱. دارمی، سنن دارمی، ج ۳، ص ۳۴۵.

۲. طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۳۴۶.

۳. ابن قتیبه، المعارف، ص ۳۵۵.

۴. همان؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۱۶؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۳۸؛ عاملی، حقایق مهم پیرامون قرآن، ص ۱۰۸.

می‌برند، اما زید بن ثابت چنین اعتقادی نداشت. آیا او از ابوبکر و عمر و عثمان حکم محرومیت ارث ذوی الارحام را روایت می‌کرد؟ قاضی جواب داد: هر کس چنین چیزی را از آنان روایت کرده باشد، دروغ گفته است. معتضد نیز دستور داد ارث خویشاوندانی که به بیت المال واریز شده بود، به آنان بازگردانده شود.^۱

در روایتی در این باره آمده است:

ابن عباس از زید پرسید: آیا تو در کتاب خدا دیده‌ای که ثلث بقیه ارث به مادر می‌رسد؟ و زید در پاسخ گفت: تو به نظر خودت عمل می‌کنی و من به نظر خودم.^۲

ج. مغایرت و تضاد متون روایات با هم:

روایت اول. در روایتی از عامر نقل شده است که می‌گفت:

پس از پیامبر ﷺ علمای این امت شش تن بودند، عمر و عبدالله بن مسعود (د. ۳۲ق) و زید بن ثابت که اگر در این سه تن اختلافی پدید می‌آمد دو تن دیگر تابع عمر بودند - و علیؓ و ابی بن کعب و ابوموسی اشعری (د. ۴۴ق) - که اگر علیؓ نظری و آن دو نظر دیگری می‌دادند نظر آن دو تابع نظر علیؓ بود.^۳

روایت بالا دارای اشکال‌هایی است:

اول این که مشخص نیست، راوی این کلام بر چه مبنایی، عالمان امت را این شش نفر معرفی و تقسیم‌بندی نموده است؟ در حالی که صحابیانی دیگری، مانند ابن عباس وجود داشتند که به لحاظ علمی به مراتب از برخی نام‌های این نقل مشهورتر بودند.

۱. طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۳۰؛ کورانی، تدوین قرآن، ص ۱۴۱.

۲. طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۳۴۶.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۷.

دوم این که این نقل با دیگر نقل‌های معتبر تاریخی که نشان می‌دهند، عمر در مسائلی که از آنها آگاهی نداشت، زید را در فتوا و قضاوت بر خود مقدم می‌داشت، تعارض دارد؛ زیرا در این جا، عمر به عنوان مرجع معرفی شده است، اما در نقلی دیگر آمده است که هر کس می‌خواهد در مسائل میراث سؤال کند به نزد زید بن ثابت برود.^۱

روایت دوم. در روایتی از خلیفه سوم آمده است:

در مورد قرآن به ابی بن کعب و در واجبات و فرائض به زید بن ثابت و در

فقه به معاذ بن جبل و در مال به من مراجعه کنید.

روشن است این روایات با یکدیگر در تعارض هستند. در جایی، زید بن ثابت به عنوان عالم به مسائل ارث معرفی می‌شود. در جای دیگر، معاذ بن جبل و در موضعی دیگر عمر. سرانجام، خود عمر از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نام می‌برد. با توجه به موارد بالا، کلام آخر در این باب این است که امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند:

حکم دو قسم است، حکم خدا و حکم جاهلیت و شهادت می‌دهم که زید بن

ثابت در تقسیم ارث به حکم جاهلیت رفتار می‌کرد.^۲

۲-۲. زید و تفسیر قرآن

یکی از ابعاد شخصیت علمی زید، موضوع تخصص او در تفسیر است که به شدت

دیگر ابعاد شخصیت علمی او نیست. در کتاب *الاتقان* در این باره آمده است:

ده تن از اصحاب به تفسیر قرآن شهرت داشتند: چهار خلیفه اول، ابن مسعود،

ابن عباس، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابوموسی اشعری و عبدالله بن زبیر (د).

۷۳ ق). در میان چهار خلیفه، کسی که در تفسیر بیش از دیگران از وی روایت

شده است علی بن ابی طالب علیه السلام است و روایات تفسیری از سه خلیفه دیگر به

۱. همان، ص ۳۴۳.

۲. کلینی، اصول الکافی، ج ۷، ص ۴۰۷.

یقین اندک است. علت این امر، آن است که ایشان زودتر از دنیا رفتند.^۱

این روایت از این نکته غفلت نموده است که برخلاف دیدگاه شیعه و در منابع اهل سنت، زید بن ثابت و ابن عباس در شمار راسخان در علم و عالمان به تأویل شمرده می‌شوند.^۲

نقد و بررسی

در متن روایات آمده است، زید در زمینه تفسیر شهرتی نداشته است. در این خصوص، بخشی از روایات، زید را در کنار برخی از مفسران جای می‌دهند، اما در بخشی دیگر از روایات با صراحت از زید، نام برده نمی‌شود و در عوض از بزرگانی، چون امام علی علیه السلام و ابن عباس نام برده می‌شود و آنها را صدر المفسرین لقب می‌دهند و کمتر از همه از زید بن ثابت و ابو موسی اشعری و عبدالله بن زبیر نام می‌برند.^۳

نویسنده کتاب پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن درباره روایتی از سیوطی که ده تن از مفسران مشهور را نام می‌برد، می‌نویسد:

یاد آور می‌شویم که شهرت تفسیری برخی از صحابیانی که سیوطی نام برده، محل تأمل است. کسانی که نه دارای مکتب تفسیری بوده‌اند و نه شاگردانی در تفسیر پرورش داده‌اند، چگونه جزو مفسران مشهور از صحابه به شمار می‌روند؟ واقعیت آن است که تفسیر مأثور عمدتاً به چهار صحابی ممتاز پیامبر ختم می‌شود؛ آنها عبارتند از: امام علی بن ابی طالب علیه السلام، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب.^۴

۱. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۲۹.

۲. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ص ۱۸۳، ح ۶۶۲۹؛ ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم (مسنداً عن رسول الله و الصحابه و التابعین)، ج ۲، ص ۵۹۹، ح ۳۲۱۱.

۳. احمد امین، فجر الاسلام، ص ۲۰۲.

۴. مروتی، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن، ص ۸۵-۸۹.

۳-۲. زید و معلم بودن ابن عباس

یکی دیگر از ابعاد علمی زید بن ثابت، موضوع تقابل او با ابن عباس است که از مفسران شاخص و رجال برجسته دوران خویش است. روایات موجود در این باره، یادگیری ابن عباس از زید و بزرگداشت او به وسیله ابن عباس را نشان می‌دهند. در این روایات، ابن عباس برای زید بن ثابت رکاب می‌گرفت، قرآن را طبق قرائت زید بن ثابت می‌خواند و برای کسب علم، به خانه زید می‌رفت و معتقد بود، به نزد علم باید رفت، چون علم نزد کسی نمی‌آید. هم‌چنین در مرگ زید گفته است که امروز دانش فراوانی در خاک شد.^۱ هم‌چنین در اخبار و روایات متعددی در این باره آمده است:

چون ابن عباس، به نزد زید بن ثابت رفت، به رکابش افتاد. زید به او گفت:

ای پسر عموی رسول خدا! این کار را نکن. ابن عباس در پاسخ گفت: به ما

دستور داده شده است که این‌گونه با دانشمندان و بزرگان خویش برخورد نماییم.^۲

برخی از اندیشمندان، مانند آقای کورانی، وجود روایات معلم بودن زید برای ابن عباس را نمی‌پذیرند و تمامی آن را به خاطر انتقادات ابن عباس بر زید جعلی می‌دانند.^۳

۴-۲. زید بن ثابت مُلقَّب به حِبْرُ الْأُمَّةِ

در کتاب‌های بسیاری در این باره نقل شده است:

وقتی زید از دنیا رفت، ابو هُرَیْرَة گفت: امروز دانشمند امت از دنیا رفت و

امید است، خداوند! ابن عباس را جانشین او قرار دهد.^۴

۱. ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۲، ص ۱۳۶؛ مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۴۵.

۲. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۲۶؛ ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ابن کثیر، البداية

والنهاية فی التاريخ، ج ۱، ص ۲۹؛ مروتی، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن، ص ۲۱۸.

۳. کورانی عاملی، تدوین القرآن، ص ۲۹۳.

۴. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۳۰؛ ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۲، ص ۳۳۳.

هم‌چنین، در نقلی از سالم بن عبدالله^۱ (د. ۱۰۶ ق) در این باره آمده است:
 روز مرگ زید بن ثابت با ابن عمر بودم و گفتم: امروز عالم مردم درگذشت.
 ابن عمر گفت: خدایش همین امروز رحمت کند، زید بن ثابت در همه خلافت
 عمر گزیده‌تر دانشمندان بود، عمر علما را به شهرها گسیل داشت و آنان را نهی
 کرد از این‌که به رأی خویش فتوا دهند، ولی زید بن ثابت به مدینه بود و برای
 مردم مدینه و آنان که به این شهر می‌آمدند، فتوا می‌داد.^۲

گفتنی است، این لقب که فراوان در روایات آمده است، برای ابن عباس بسیار استفاده
 می‌شد و تعداد کمی از اخبار ضعیف، جِبْرِ الْأُمَّة بودن زید را بیان می‌کنند.^۳

۵-۲. زید متخصص امر تقویم

بعد دیگری که برای زید بن ثابت بر می‌شمارند، موضوع تخصص او در امر تقویم
 است. زید به عنوان متخصص در امر محاسبه تقویم مورد توجه واقع می‌شد؛ زیرا مهارت
 خود را از اساتید یهودیش فرا گرفته بود. خارجه پسر زید (د. ۱۰۰ ق) در این باره می‌گوید:
 روز عاشورا در زمان‌های مختلفی از یک سال گرامی داشته می‌شد. بدین
 نحو که در طول سال‌های مختلف چرخش می‌کرد و این امر در دوره‌های نجومی
 اسلامی اتفاق می‌افتاد. مردم طبق عادت بارها و بارها به یک یهودی مراجعه
 می‌کردند و در این باره سؤال می‌کردند. وقتی که آن فرد یهودی از دنیا رفت،
 مردم به سوی زید بن ثابت آمدند و در این باره از او سؤال می‌کردند.^۴

۱. سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب معروف به سالم بن عبدالله عدوی، یکی از تابعان و از فقیهان مدینه بوده
 است (ابن حبان بستی، الثقات، ج ۴، ص ۳۰۵؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۰۰).
 ۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۴۵.
 ۳. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۱؛ کورانی، تدوین قرآن، ص ۳۴۴؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳،
 ص ۶۳؛ مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۲۱؛ ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۲، ص ۳۳۲.
 ۴. آزادی و جانی پور، «نقد و بررسی آرای مستشرقان در خصوص شخصیت زید بن ثابت»، مطالعات قرآن و حدیث،
 ش ۹۱، ص ۹۱.

۳. جمع و تدوین قرآن

موضوع جمع‌آوری و تدوین قرآن هم در میان محققان مسلمان و هم در میان اسلام‌شناسان غربی، همواره معرکه آرا بوده است. عده‌ای چون آیت‌الله خویی (د. ۱۴۱۳ق) معتقدند که جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر ﷺ صورت پذیرفته است و بسیاری، مانند علامه طبرسی (د. ۵۴۸ق)، علامه طباطبایی (د. ۱۴۰۲ق) و آیت‌الله معرفت (د. ۱۴۲۸ق) روایات جمع‌آوری و تدوین قرآن در دوران خلافت ابوبکر و تکمیل آن در زمان خلافت عثمان (د. ۳۵ق) را می‌پذیرند.^۱ هم‌چنین، غربیان در موضوع جمع‌آوری قرآن هم داستان نیستند و در موضوع جمع‌آوری قرآن در یک زمان، اتفاق ندارند.

به هر حال، موافقان جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر ﷺ از عبارت «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقَاعَةِ» در سخن زید به وجود قرآنی جمع‌آوری شده در زمان پیامبر ﷺ می‌رسند و مخالفان هم از سخن دیگر زید که گفته است: «إِنَّ النَّبِيَّ قَبَضَ وَلَمْ يَكُنِ الْقُرْآنَ قَدْ جُمِعَ بَشِيءٌ» برداشت می‌کنند که قرآن در زمان خلفا به صورت کنونی در آمده است. به هر حال در جمع‌آوری قرآن در هر دو زمان از زید بن ثابت به عنوان یکی از نقش‌آفرینان اصلی این عرصه نام برده می‌شود.^۲

۳-۱. کتابت قرآن به وسیله زید در زمان پیامبر ﷺ

آن چنان که در کتاب‌های تاریخ آمده است، با ظهور اسلام در شبه جزیره عرب، عده‌ای از سواد خواندن و نوشتن بهره‌مند بودند^۳ و پیامبر ﷺ برای حفظ آیات از عده‌ای برای کتابت قرآن بهره می‌بردند.^۴ بر همین اساس، محققان تعداد کاتبان وحی را بین چهل و سه تا چهل و پنج نفر می‌دانند و تا هفتاد نفر را در برخی از منابع نقل می‌کنند.

۱. ر.ک: خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۴۵؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، فن پنجم، مقدمه

تفسیر؛ طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۹۱-۱۹۳؛ معرفت، التمهید، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲. ابن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۹؛ پارسا، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، ص ۱۸.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۴۵۷.

۴. همان؛ مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۹، ص ۳۳۴.

در رابطه با اولین کاتب قرآن در مکه، محققان از امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه نام می‌برند و در مدینه هم نام اُبی بن کعب انصاری را بیان می‌کنند که پیش از زید بن ثابت به این امر مهم اشتغال داشته است و می‌گویند که زید بن ثابت در غیاب اُبی بن کعب، کتابت وحی را انجام می‌داده است. به طور کلی، روایات موجود در این رابطه را به دو گروه می‌توان تقسیم‌بندی نمود.

گروه اول. روایاتی که زید را کاتب اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند

این دسته از روایات اشاره دارند که زید از کسانی بود که بیشترین ملازمت را با پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند. او همسایه پیامبر صلی الله علیه و آله و مورد اطمینان ایشان بود. ابتدا در غیاب اُبی بن کعب برای پیامبر صلی الله علیه و آله کتابت می‌نمود و سپس تبدیل به کاتب اصلی شد. او با دستور پیامبر صلی الله علیه و آله زبان و نوشتن عبرانی را فرا گرفت تا نامه‌های عبری را برای ایشان بنویسد.^۱ در گزارشی در این باره آمده است:

عده‌ای بر زید بن ثابت وارد شدند و از او خواستند، حدیث یا داستانی را از

زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کند. زید بن ثابت گفت: چه داستانی را از زمان رسول خدا

گزارش کنم؟ من همسایه آن حضرت بودم و هر وقت وحی نازل می‌شد، مرا

احضار می‌فرمود و من آن را می‌نوشتم.^۲

هم‌چنین از خارجه بن زید نقل شده است که زید بن ثابت در این باره می‌گفت:

کنار پیامبر نشسته بودم، حالت وحی بر ایشان عارض شد و آن حضرت بالای زانوی من افتاد و هرگز چیزی به آن سنگینی تحمل نکرده بودم و چون به حال معمولی برگشتند، فرمودند: ای زید! بنویس و من بر استخوان شانه‌ای شروع

۱. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۵۰؛ پارسا، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، ص ۳۵؛

عسگری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. سجستانی، المصاحف، ص ۳.

به نوشتن کردم و چنین نوشتم: یکسان نیستند مؤمنانی که از جهاد باز می‌نشینند و مجاهدانی که در راه خدا جهاد می‌کنند.^۱

گروه دوم. روایاتی که زید را کاتب فرعی پیامبر ﷺ می‌دانند

این دسته از روایات بیان می‌کنند که زید و برخی از افراد در غیاب کاتبان اصلی پیامبر ﷺ به کتابت یا به امور دیگری غیر از کتابت وحی، مانند ثبت پیمان‌ها و معاهدات، نگارش مالیات‌های واصله، صدقات و غنائم مشغول بودند. هم‌چنین، این عده قطعاتی از قرآن را بر روی اشیایی متفرقه ثبت می‌کردند و در اختیار پیامبر ﷺ می‌گذاشتند. به این ترتیب نسخه‌ای از قرآن به شکل قطعات پراکنده در خانه پیامبر ﷺ فراهم شد.^۲

۲-۳. جمع‌کنندگان قرآن و موافقان دیدگاه جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ

موضوع جمع‌کنندگان قرآن یکی از موضوعات مهم در تاریخ قرآن است. در این باره روایات مختلفی وجود دارد که از افراد مختلفی به عنوان جامعان قرآن نام می‌برند. یکی از این روایت‌ها، روایتی است که از انس بن مالک (د. ۹۱ ق) نقل شده است. قتاده بن دعامة (د. ۱۱۷ ق) در این باره می‌گوید:

از انس بن مالک سؤال کردم چه کسی قرآن را جمع‌آوری کرد. او گفت:

چهار نفر که همگی از انصار بودند. ابی بن کعب، زید بن ثابت، معاذ بن جبل و

ابو زید.^۳

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۹۰؛ زنجانی، تاریخ قرآن، ص ۵۲.

۲. عسگری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۱۰؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۶۵۸؛ ابن عبد ربه، عقد الفرید، ج ۳، ص ۵؛ معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۱۳۶؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۵۲؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳. ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۳۱؛ احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۳۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۷۶؛ مزی، اکمال تهذیب الکرمال فی تهذیب الرجال، ج ۱۴، ص ۱۸۶.

به طور کلی استناد موافقان جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ به روایات زید بن ثابت، حدیث ثقلین، روایت حسبنا کتاب الله از عُمَر و احادیث ختم قرآن است که تمامی روایات، این مطلب را نشان می‌دهند که قرآن به صورت کتابی مدون وجود داشته است و اطلاق لفظ کتاب بر مجموعه‌ای که پراکنده باشد، بی معنا و مفهوم خواهد بود.^۱

۳-۳. جمع آوری قرآن در زمان خلفا

طرفداران این دیدگاه قائلند که قرآن در زمان خلفا گردآوری شده است. دلایل موافقان این دیدگاه را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

روایت منقول از زید بن ثابت که گفته است:

إِنَّ النَّبِيَّ قُبِضَ وَ لَمْ يَكُنِ الْقُرْآنَ قَدْ جُمِعَ بَشِيءً؛ پیامبر ﷺ از دنیا رفت در

حالی که قرآن را جمع نکرد.

روایتی از پیامبر ﷺ که بر اساس آن، ایشان وصیت کردند:

پس از رحلتشان قرآن جمع شود تا مانند تورات یهود در معرض ضایع شدن

قرار نگیرد.^۲

۳. عدم انقطاع وحی تا آخرین روزهای حیات پیامبر ﷺ که دانشمندان اهل سنت آن

را به عنوان مهم‌ترین دلیل جمع قرآن در دوره ابوبکر اعلام می‌کنند.

۴. روایت «ابوبکر اول من جمع المصحف» که بعدها آن را برای عثمان هم نقل

کردند.^۳

۱. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ص ۳۲۷؛ جفری، مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۴۴؛ خویی، البیان فی تفسیر

القرآن، ص ۲۵۲؛ معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۱۴۵.

۲. قمی، تفسیر قمی، ص ۷۴۵.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۰۷۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۵۴.

۳-۱-۳. جمع قرآن در زمان ابوبکر

درباره چگونگی شروع جمع‌آوری قرآن در زمان خلیفه اول، بیشتر مورخان داستان جنگ یمامه را مطرح می‌کنند.^۱ زید بن ثابت درباره اتفاقات پس از یمامه می‌گوید:

پس از کشتار اهل یمامه، ابوبکر فرستاد پی من. در آن وقت، عمر بن خطاب پیش او بود. ابوبکر گفت: عمر نزد من آمده است و گفته است که کشتار در روز یمامه بر قاریان قرآن سخت بود و من بیم آن دارم که کشتار قاریان در خیلی از موارد شدت پیدا کند و بسیاری از قرآن از میان بروند. من معتقدم که تو به گردآوری قرآن فرمان دهی. من به عمر گفتم: چگونه کاری می‌کنید که رسول خدا آن را انجام نداده است؟ عمر گفت: سوگند به خدا! که این کار خیری است. سپس ابوبکر به من گفت: تو مردی جوان و عاقلی. تو را متهم نمی‌شناسیم و تو بودی که وحی را برای رسول اکرم می‌نوشتی. پس قرآن را جست و جو کن و گرد آور. سوگند به خدا که اگر به من (زید بن ثابت) تکلیف می‌کردند کوهی از کوه‌ها را جابه‌جا کنم، بر من سنگین‌تر از آن نبود که مرا به جمع کردن قرآن فرمودند. گفتم: چگونه کاری می‌کنید که پیامبر ﷺ خدا آن را انجام نداده است؟ ابوبکر گفت: به خدا قسم که این کار نیکی است. پس همیشه ابوبکر به من مراجعه می‌کرد تا خداوند گشود سینه مرا، به همان سان که سینه‌های ابوبکر و عمر را بر این کار گشاده ساخته بود. پس بپا خاستم و قرآن را جست و جو کردم و آن را از شاخه‌های خرما و سنگ‌های سپید و سینه‌های مردمان گرد آوردم. سرانجام، دو آیه آخر سوره توبه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ. . .» را نزد ابو خزیمه انصاری - به نقلی خزیمه بن ثابت - یافتم و نزد دیگری غیر از او نبود تا

۱. سجستانی، المصاحف، ص ۶؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۰؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۹.

آخر برائت و این صحف نزد ابوبکر ماند تا زندگی را بدرود گفت. پس در تمام زندگی عمر پیش او بود، سپس نزد حفصه، دختر عمر.^۱

۳-۲. مراحل انجام کار به وسیله زید

زید پس از ملاقات با ابوبکر و عمر می‌پذیرد که این کار را انجام دهد. مراحل کار زید در مجموع در بخش‌های روش، منابع و همکاران او قابل توجه است. در بیشتر کتاب‌های اهل سنت و شیعه نقل شده است که ابوبکر به عمر و زید دستور داده بود که بر درب ورودی مسجد بنشینند و آیات قرآن را با گواهی دو شاهد، یکی آنچه در حضور رسول خدا نوشته شده بود و دیگری آنچه در سینه مردمان محفوظ بود، ثبت کنند و اگر به مشکلی برخوردند به خود ابوبکر مراجعه کنند.^۲ در روایتی دیگر در این باره آمده است:

زید به ابوبکر گفت: ای خلیفه رسول خدا! اگر من و عمر با هم باشیم، بهتر

است. پس ابوبکر به عمر گفت و او هم پذیرفت و کار به ما واگذار شد. از آنجا

خارج شدیم و هر دو بر در مسجدی که نزدیک جایگاه جنازه‌ها بود، نشستیم.

مردم قرآن‌ها را می‌آوردند، بعضی در صحیفه‌ها نوشته بودند و برخی در

چوب‌های خرما، تا از آن آسوده شدیم.

هم‌چنین، گفته شده است که زید غیر از این گواهان، از حافظه خود و قرآنی که کاتبان، نسخه‌ای از آن را در هنگام کتابت به رسول الله ﷺ می‌دادند به عنوان منابع خویش بهره می‌برده است.^۳ درباره تعداد اعضا و کیفیت کار این گروه نقل شده است که ابوبکر بیست و پنج مرد از قریش و پنجاه مرد، مانند سعید بن عاص (د. ۱۲ ق) و اشعث بن قیس کندی (د. ۴۰ ق) را همراه زید کرد.^۴

۱. همان؛ احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۱۳؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۰.

۲. سجستانی، المصاحف، ص ۹؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۸.

۳. حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، چاپ ۳۰، ص ۲۱۰؛ محمدی‌ری‌شهری، شناخت‌نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۲۵۰.

۴. ابن عطیه، مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۲۱؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۱۷.

برخی از روایات بیان می‌کنند که زید وظیفه نظارت را برعهده داشته است.^۱ برخی دیگر نقل می‌کنند که زید می‌نوشت^۲ و گروه دیگر بیان می‌نمایند که زید املا می‌کرد.^۳ در رابطه با ماجرای گم شدن دو آیه آخر سوره توبه نقل می‌گردد که پس از گردآوری قرآن، این افراد متوجه فقدان این دو آیه می‌شوند و پس از تلاش فراوان، آن دو آیه را در نزد خزیمه بن ثابت می‌یابند. گفته می‌شود که زید هر سوره از قرآن را پس از گردآوری در صندوقچه‌ای به نام ربه قرار می‌داد و این قرآن پس از ابوبکر به عمر و سپس به حفصه رسید.^۴

۳-۳-۳. جمع قرآن در زمان عثمان

کیفیت جمع‌آوری قرآن در زمان عثمان با توجه به روایات، دارای وجوه مشترکی، مانند نقش زید در جمع‌آوری قرآن، کیفیت جمع‌آوری، اعضای گروه کتابت و روش زید با جمع‌آوری در زمان ابوبکر است. محققان اختلاف در قرائت را عامل اصلی جمع‌آوری قرآن در زمان عثمان می‌دانند.^۵ اختلاف قرائت‌ها در این دوران، چنان فراوان بود که حذیفه بن یمان پس از مشورت با عده‌ای از اصحاب پیامبر ﷺ در کوفه، موضوع را با عثمان مطرح کرد و عثمان خطبه‌ای را ایراد نمود و سپس گروهی را برای جمع‌آوری و یکسان کردن قرآن انتخاب کرد.^۶

۱. خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۴۰؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۲۸.

۲. همان.

۳. همان؛ سجستانی، المصاحف، ص ۲۴؛ حسینی جلالی، دراسة حول القرآن الکریم، ص ۱۱۹.

۴. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۲۵؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ص ۱۱۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳۵؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۸؛ ابن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۶؛ زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۴؛ سجستانی، المصاحف، ص ۶-۹؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۱۸؛ جفری، مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۲۱.

۵. ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۵۸؛ میرمحمدی زرنندی، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، ص ۳۱؛ زنجانی، تاریخ قرآن، ص ۷۴.

۶. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ص ۱۱۱؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۲۵؛ معرفت، تاریخ قرآن، ص ۱۹.

در تعداد اعضای این گروه، مانند زمان ابوبکر اختلاف وجود دارد. عثمان در این گروه، از افرادی چون زید بن ثابت و عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمان بن حارث بن هشام استفاده کرد و دستور داد اگر با زید بن ثابت درباره چیزی اختلاف پیدا کردید، آنها را به زبان و لهجه قریش بنویسید؛ زیرا قرآن به زبان و لهجه قریش نازل شده است.

همچنین، پس از این که اعتراض‌ها به این گروه چهار نفری زیاد شد، عثمان ریاست آن را بر عهده گرفت. در نهایت، آنان از عهده کار بر نیامدند و از افراد دیگری کمک گرفتند و گروهی با دوازده نفر تشکیل دادند. ریاست این گروه بر عهده ابی بن کعب گذاشته شد. گویا در اول، کار با زید و سعید بوده است. در گزارشی در این باره آمده است:

عثمان پرسید: کدام بهتر می‌نویسند؟ گفتند: زید. سپس پرسید: کدام

فصیح‌تر هستند؟ گفتند: سعید. آن‌گاه گفت: سعید املا کند و زید بنویسد و برای

املا از ابی بن کعب کمک گرفتند.^۱

در این گروه، سعید بن عاص املا کننده و زید بن ثابت نویسنده بود، اما گاه نظر سعید در شکل کتابت مقدم می‌شد؛ زیرا وظیفه املا کننده، بیان شکل نگارش نیز بود. از این رو در نوشتن کلمه تابوت، نظر زید بن ثابت که آن را به شکل تابوة می‌نوشت، قبول نشد و خلیفه به او دستور داد به شکل تابوت که سعید پیشنهاد می‌کرد، بنویسد.^۲

۳-۳-۴. مراحل کار زید در کتابت

زید در زمان عثمان، پس از مأمور شدن به جمع‌آوری قرآن از روش و منابعی مشابه با زمان ابوبکر استفاده می‌کرد. این منابع را می‌توان چنین معرفی کرد:

- صحیفه‌هایی که خودش در زمان ابوبکر فراهم کرده بود.

۱. پارسا، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، ص ۱۷؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۸۷؛ معرفت، التمهید

فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. کورانی، تدوین قرآن، ص ۱۵۰.

- مصحف ابی بن کعب که به نظر طبری یکی از غنی‌ترین منابعی است که او استفاده کرده است.

- حافظه مردم و نوشته‌های قرآنی.

خزیمه بن ثابت که به طور دقیق مشابه اتفاق زمان ابوبکر است.

نظارت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام. در برخی گزارش‌ها آمده است که پشتوانه کار عثمان در جمع‌آوری قرآن، امام علی علیه السلام بوده است.^۱

پس از آن که قرآن جمع‌آوری و مرتب‌سازی شد، عثمان دستور داد همه قرآن‌های پیشین به جز مصحف ابن مسعود را بسوزانند. بر اساس گزارش مشهور، عثمان پنج نسخه از مصاحف را به پنج منطقه مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام به همراه یک حافظ فرستاد تا قرائت آنها با مصاحف هماهنگی داشته باشد و در این امر، زید بن ثابت را به مدینه گمارد و نسخه‌ای از این مصحف را که به مصحف امام مشهور است، نزد خود نگه داشت.^۲

۴. چرا زید انتخاب شد؟

ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا زید برای این مأموریت مهم انتخاب شد؟ درباره دلایل انتخاب زید به طور کلی گفته می‌شود که نسبت به همه در این امر برتر بود و برای انجام این کار، آماده‌تر از دیگران بود. او آخرین کسی بود که در پایان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، قرآن را بر جایگاه وحی عرضه کرده بود و مورد قبول قرار گرفته بود. در میان بزرگان صحابه، از بزرگان فقه و رأی بود. ریاست قضاوت و فتوا در مدینه با او بود. به استواری عقل، شدت پرهیزگاری و حسن خلق معروف بود. در روز جنجالی سقیفه

۱. حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۴۰-۴۴۴؛ پارسا، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، ص ۲۴؛ درستی بررسی مسئله همکاری امام علی علیه السلام با کارگروه جمع قرآن از مباحثی است که باید جداگانه پیرامون آن تحقیق شود.

۲. سجستانی، المصاحف، ص ۳۴؛ سیوطی، الإیتقان، ج ۱، ص ۱۵۷.

بنی ساعده، زید بود که به نفع ابوبکر، نقش آفرینی کرد. جوان بود، نیرویش بیش از دیگران و تعصبش کمتر بود. با دقت و آرامی به بزرگان صحابه گوش می کرد و در تکیه بر حفظ خود لجاجت نداشت. او در نزد ابوبکر مورد اطمینان بود و قرائتش مورد تأیید بود. هم چنین، در وابستگی به عثمان و حرف شنوی از خلفا همتا نداشت.^۱

۵. نقد و بررسی روایات کتابت قرآن به وسیله زید

۵-۱. کتابت زید در زمان پیامبر ﷺ

با توجه به متن روایاتی که درباره تعداد کاتبان و نقش آنها وارد شده است، موارد سؤال برانگیزی وجود دارد:

۱. در نقد روایت «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نُوَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرِّقَاعِ» باید گفت که محتوای این روایت به نوعی می تواند گویای جعلی بودن آن از طرف زید و یا مدافعان او باشد؛ زیرا ابتدای روایت در فضیلت زید و پایان آن در فضیلت معاویه و شهر شام است.^۲
 ۲. در باب تعداد جمع آورندگان قرآن، احادیثی که از انس بن مالک (د. ۹۱ ق) و قتاده (د. ۱۱۷ ق) نقل شده است دارای تناقض و تعارضاتی با هم هستند. تناقض از این جهت که زمان جمع آوری قرآن، متصدی این جمع، مأخذ مصحف عثمان و مبتکر طرح جمع آوری قرآن در روایات مختلف با هم فرق دارد و تعارض از نظر مفهوم این روایات با روایاتی که جمع آوری قرآن را در زمان حضرت رسول اکرم ﷺ می دانند.
- به عنوان نمونه، انس بن مالک معتقد است، فقط چهار نفر قرآن را جمع کردند و آن چهار نفر هم از انصار بودند. در صورتی که جامعان و حافظان قرآن در جمع مهاجر و در نزد انصار، حتی در میان اوسیه های انصار هم خیلی بیشتر از این بوده است. چنان که در روایت، گاهی ابی هست و گاهی ابوالدرداء (د. ۳۲ ق).

۱. ابن قتیبة دینوری، المعارف، ص ۱۳۳؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۷؛ جفری، مقدمتان فی علوم

القرآن، ص ۲۵؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۱۹-۳۲۲.

۲. ر.ک: ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۹.

به قول مازری (د. ۵۳۶ق) فقیه مالکی، حدیثی وجود دارد که زهری از زید بن ثابت نقل می کند که گفت: «پیامبر ﷺ از دنیا رفت و قرآن جمع نشده بود» که شاید منظور زید، تکمیل جمع آوری قرآن به مباشرت خود او بوده است. همچنین، ابو عمر این حدیث انس را که زید بن ثابت، یکی از جمع آوران قرآن در زمان رسول خدا ﷺ بوده است، صحیح می داند. حال آن که با روایت ابن شهاب از عبید بن سباق از زید بن ثابت منافات دارد که بر اساس آن، ابوبکر به او فرمان داد، قرآن را جمع کند و او قرآن را از برگه ها و بزرگان رجال جمع کرد. اگر او قرآن را در زمان رسول خدا ﷺ جمع کرده بود، از سینه خود املا می کرد و دیگر به آنچه گفته شد، نیاز نبود.^۱

۲-۵. کتابت زید در زمان خلفا

عدم انقطاع وحی تا آخرین روزهای حیات پیامبر ﷺ و حادثه کشته شدن حافظان قرآن در جنگ یمامه، فرضی است که دانشمندان اهل سنت، آن را مکرر مطرح می نمایند و به عنوان مهم ترین دلیل جمع قرآن در دوره ابوبکر اعلام می کنند. به طور کلی، فلسفه اصلی جمع آوری قرآن در دوران خلفا که از جنگ یمامه شروع شد و به انتخاب زید منتج گردید در چند نکته قابل بررسی است:

۱. جمع آوری قرآنی مجرد از هرگونه تفسیر: پس از رحلت رسول خدا ﷺ خلفای اولیه در راستای سیاست ممنوعیت نقل و نگارش حدیث، به تجرید قرآن از تفسیر روی آوردند. این موضوع در دوره ابوبکر، زمینه اجتماعی لازم را نداشت و اقدام ابوبکر در حد تهیه مصحف شخصی او باقی ماند.^۲

۲. به طور کلی روایات جمع آوری قرآن در زمان خلفا در بعد پیشنهاد دهندگان این موضوع و در بعد زمان تدوین قرآن و همکاران زید و وظایف این گروه دارای تفارق است.

۱. خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۴۷-۲۵۰؛ معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۱۵۹؛ عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۱۸۱؛ عاملی، حقائق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۰۳.

۲. معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۷۳.

۳. ادعای کشته شدن حافظان قرآن در جنگ یمامه و اضطراب ابوبکر قابل بررسی است؛ زیرا از سویی معلوم نیست، چند نفر از آنها حافظ قرآن بوده‌اند. بنابر تحقیقات برخی از مستشرقان، مانند کایتانی (د. ۱۹۲۶م)^۱ در میان کشته شدگان این جنگ به ندرت می‌توان کسی را یافت که حافظ قرآن بوده باشد و بیشتر از تازه مسلمانان بودند.^۲ گفتنی است که گزارش کنز العمال افسانه‌ای است که شمار حافظان کشته شده در این جنگ را چهارصد نفر معرفی می‌کند^۳؛ زیرا با بررسی اسامی کشته شدگان در این جنگ این مطلب مردود خواهد بود.^۴

۵-۲-۱. روش و منابع زید بن ثابت

روشی که زید بن ثابت در جمع و ثبت قرآن به کار برد با وجود تأیید گروهی مهم، از سوی گروهی دیگر، مورد نکوهش و نقد اساسی قرار گرفته است. در این باره باید گفت که تمام مسلمانان برای اثبات قرآن بودن، راهی به جز تواتر و نقل‌های کثیر و یقین‌آور نمی‌دانند، ولی روایات تدوین قرآن دلالت می‌کنند بر این که در موقع جمع آوری قرآن، تنها مدرک و مرجعی که آیات قرآن از غیر آیات تشخیص داده می‌شد، عبارت بود از شهادت دو نفر مسلمان. آیت الله خوئی در *البیان* در این باره می‌نویسد:

زید شهادت دو نفر را در مسئله جمع قرآن به معنای حفظ و کتابت گرفته

است، تا مسئله قبول قرآن به عنوان خبر واحد حل شود و تواتر در آن محفوظ

ماند، ولی نمی‌توان این را عمومیت داد؛ زیرا در این صورت، چه بسا آیاتی که

تواترش مسلم بوده است. پس اگر نسخه کتاب‌هایی را نمی‌داشته است، پذیرفته

1. Leone Caetani.

۲. این دیدگاه کایتانی قابل نقد است. جهت مطالعه بیشتر ر.ک: کریمی نیا، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۸۸-۸۹.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۷۹، ش ۴۷۷۰.

۴. کریمی نیا، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۸۸-۸۹.

نمی‌شده است. در صورتی که عقل، تاریخ و اجماع مسلمانان برخلاف این نظر هستند. این‌ها نیست جز کوتاهی اخبار و روایات و این نکته هم از آن نکات فراوانی است که در اخبار به سکوت برگذار شده است و می‌دانیم در عمل نسخه اصلی را در اختیار داشته‌اند و حافظان و جامعان قرآن تا آن حدّ بوده‌اند که به مشکلی از این باب برنخورند. اگر فرض کنیم که ابوبکر در ایام خلافت خود جامع قرآن بوده است، کیفیتی که در روایات جمع قرآن در این دوره بازگو شده است، دروغ است، چون جمع قرآن مستند به نقل تواتری مسلمانان است به این صورت که جامع قرآن، قرآنی را که به نحو تواتر در حافظه‌های مردم وجود داشت در مصحفی مدون ساخت.^۱

۳-۲-۵. نوشت افزارهای کتابت

با وجود چرم‌های دباغی شده و کاغذ در زمان پیامبر ﷺ و پس از ایشان، منطقی به نظر نمی‌رسد که زید آیات قرآن را بر روی استخوان‌ها یا شاخه‌های خرما و از این قبیل نوشت افزارها بنویسد یا جمع‌آوری کند. به دلیل این‌که نوشتن این آیات بر این حجم از استخوان یا شاخ و برگ و نگهداری آنها سخت است. هم‌چنین، به فرض درستی این مطلب، یافتن یک آیه در بین این حجم از استخوان چگونه امکان‌پذیر است؟

۴-۲-۵. مخالفین کتابت زید

سرسخت‌ترین مخالفان زید در جمع‌آوری قرآن در درجه اول ابن مسعود و سپس ابی بن کعب بودند.^۲ برای ابن مسعود سخت ناخوشایند بود که زید بن ثابت کم سن و سال‌تر از او، متصدی جمع‌آوری قرآن گردد و مسئله جمع‌آوری قرآن را به او واگذار نکنند.^۳ پس از انتخاب این گروه چهار نفری، عبدالله بن مسعود زبان به اعتراض گشود و گفت:

۱. خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۵.

۲. ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۷؛ سجستانی، المصاحف، ص ۱۵.

۳. همان.

مرا از این کار کنار می‌زنند و آن را به مردی می‌سپارند که به خدا قسم!
آن‌گاه که من قرآن را می‌خواندم او در صلب مردی کافر بود.

هم‌چنین ابن مسعود می‌گفت:
آیا مرا کنار می‌گذارند در حالی که از زبان رسول خدا هفتاد سوره فرا
گرفتم. آن هم در زمانی که زید بن ثابت، پسر بچه‌ای با موهای بافته شده شبیه
یهودیان بود و با کودکان بازی می‌کرد؟^۱

۵-۲-۵. بررسی دلیل انتخاب زید بن ثابت

مهم‌ترین پرسش و محور اصلی مقاله حاضر این است که چرا زید به عنوان عامل
جمع کننده قرآن انتخاب شد؟ نویسندگان در رابطه با انتخاب زید، دلایل متعددی را بر
می‌شمارند. برخی تصور می‌کنند، دلیل انتخاب زید، جوانی و نشاط او بوده است، اما قرائن
از همسویی زید بن ثابت با خلفا حکایت دارد.

به این صورت که او روز سقیفه به جای دفاع از سعد بن عباده انصاری با ابوبکر بیعت
کرد. سپس تا آخرین روزهای خلافت عثمان به او وفادار ماند و در دوره خلافت
امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در هیچ‌یک از جنگ‌های آن حضرت شرکت نکرد. این‌ها
دلایل انتخاب زید بن ثابت از سوی خلفا و ترجیح او بر عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب
به شمار می‌رود.^۲

۶. بررسی دیدگاه‌های مستشرقان درباره نقش زید در کتابت قرآن

پس از بیان روایات مربوط به جمع‌آوری و تدوین قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفا و بررسی
آنها، نقش زید در این امر از دیدگاه مستشرقان بررسی خواهد شد. در موضوع جمع و
تدوین قرآن از منظر مستشرقان، سه دیدگاه وجود دارد:

۱. ابن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۷؛ سجستانی، المصاحف، ص ۱۵؛ ابن سعد، الطبقات
الکبری، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۱۶۸-۱۶۹.

الف. گروهی مانند ریچارد بِل (د. ۱۹۸۲م)^۱ و جان برتون (۱۹۲۹-...)^۲ معتقدند که قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع‌آوری شده است.

ب. عده‌ای مانند گلدزیهر (د. ۱۹۲۱م)^۳، نولدکه (د. ۱۹۳۰م)^۴، شِوالی (د. ۱۹۱۹م)^۵ و بلاشر (د. ۱۹۷۳م)^۶ معتقدند که قرآن در زمان خلفا تدوین شده است.

ج. افرادی هم مانند مینگانا (د. ۱۹۳۷م)^۷ و ونزبرو (د. ۲۰۰۲م)^۸ معتقدند که قرآن پس از خلفا و در قرون بعدی تدوین شده است.

۱-۶. نولدکه

تئودور نولدکه (د. ۱۹۳۰م) خاورشناس مشهور آلمانی است که مهم‌ترین اثر وی در قرآن پژوهی، کتاب *تاریخ قرآن* است. این کتاب نخست به عنوان پایان‌نامه نوشته شد و در سال ۱۸۶۰م در قالب کتاب انتشار یافت.^۹ نولدکه درباره تدوین قرآن در زمان عثمان می‌نویسد:

خليفة هيثمي مركب از زيد بن ثابت از مدینه و سه قریشی اصیل از مکه به نام‌های عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالله بن حارث تشکیل داد و آنان را مأمور تدوین نسخه‌هایی از قرآن بر اساس قرآنِ حفصه کرد.^{۱۰}

1. Bell Richard

2. John Buron

3. IgnasGoldziher

4. Theodor Nöldeke.

5. Friedrich Schwally.

6. R. L. Blachere.

7. Alphonse Mingana.

8. John Wansbrough.

9. Theodor Nöldeke, *Geschichte des Qorans*, Göttingen, 1860.

۱۰. نولدکه، *تاریخ القرآن*، ص ۲۸۴.

نولدکه به غیر از نام زید در اعضای کتابت قرآن، به اختلاف اسامی در برخی از روایات اشاره می‌کند و می‌نویسد:

این روایات هیچ بهره‌ای از حقیقت ندارد و افزایش تعداد حاضران در هیئت مذکور به منظور پررنگ کردن نقش مدنی‌ها در تدوین نهایی قرآن بوده است، عدد دوازده نیز گزافی بیش نیست و تردید ما وقتی بیشتر می‌شود که می‌بینیم نام بیشتر این دوازده تن هیچ‌گاه برده نمی‌شود.

سرانجام آن که، چنان که خواهیم دید، قلمداد کردن عمل هیئت مذکور به عنوان تثبیت کننده متن قرآن تصویری اشتباه است.^۱ نولدکه در این باره می‌نویسد:

در تدوین و صلاحیت اعضای هیئت در انجام این کارشک نداریم که زید به سبب تجربه و کار پیشینش، برای انجام دستور عثمان به توجید مصاحف شایستگی داشت. در حقیقت هیچ کس را توان رقابت با او در این امر نبود و هم از این رو، وی تنها فردی است که تمام روایات تاریخی او را از جمله اعضای هیئت تدوین قرآن در عهد عثمان می‌شمارند. به ندرت برخی مفسران مسلمان با شگفتی پرسیده‌اند، چگونه به جای زید، ابن مسعود نیامده است، او که پیش از تولد زید، به اسلام گرویده بود و صاحب ده‌ها فضیلت دیگر بود؟ آنگاه خود در نهایت چنین اظهار کرده‌اند که زید تمام قرآن را از حافظه می‌دانست. حال آن که ابن مسعود، تنها هفتاد سوره را از بر بود.^۲

سپس نولدکه در این باره می‌نویسد:

چنین دعوی و استدلالی از اساس باطل است. صاحبان این نظر، آن روایت را از یکسو بد فهمیده‌اند که می‌گوید پیامبر هفتاد سوره را در حضور ابن مسعود

۱. همان، ص ۲۸۱-۲۸۴؛ پارسا، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، ص ۸۳.

۲. کریمی‌نیا، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۵، ۱۳۸۴، ص ۸۷.

قرائت کرده بود. حال آن‌که زید هنوز کودکی بیش نبود و از سوی دیگر از این نکته غافل بوده‌اند که قرآن عثمان در اصل بر مبنای مصحف حفصه شکل گرفته است و هیچ‌کس بهتر از زید نمی‌توانسته این کار را انجام دهد، چه همو خود محرر و تنها کاتب این نسخه بود. چون زید به تنهایی از انجام کامل این عمل سنگین که سه یا چهار نسخه را کتابت کند بر نمی‌آمد، حدس من این است که جمعی از کاتبان و ناسخان حرفه‌ای در این کار دست داشته‌اند و زید تنها وظیفه نظارت و راهنمایی را بر عهده داشته است.^۱

۲-۶. فردریش شوالی

فردریش شوالی (د. ۱۹۱۹م)^۲ یکی از شاگردان نولدکه است که اعتقاد دارد جمع‌آوری قرآن با نبرد یمامه هیچ ارتباطی ندارد؛ زیرا بیشتر مسلمانانی که در عَقْرَبَا^۳ کشته شدند، تازه مسلمان شده بودند و قرآن نمی‌دانستند و فهرست صد و پانزده نفره کاتبانی که کشته شدند، چندان دقیق و معتبر نیست. به اعتقاد شوالی تصویری که از ثبت و تدوین قرآن پس از پیامبر ﷺ در روایات آمده است، بیش از اندازه مبالغه آمیز به نظر می‌آید. او نقش زید را در زمان عثمان انکار نمی‌کند و در این باره می‌گوید:

در همه روایات جمع‌آوری قرآن، اسم زید بن ثابت وجود دارد و این پرسش مطرح می‌شود که چرا هیچ‌یک از مفسران نپرسیده‌اند که چرا به جای زید، ابن مسعود که سابقه بیشتری در اسلام و آشنایی با قرآن داشت و خودش هم صاحب نسخه‌ای از قرآن بود، این وظیفه را برعهده نگرفت؟^۴

۱. همان.

2. Friedrich Schwally.

۳. عَقْرَبَا نام مکانی است در ناحیه اَبَاض و اَبَاض قریه‌ای در یمامه است که حد فاصل نجد و یمن است و از شرق به بحرین و از غرب به حجاز محدود بوده است (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۶۹۴؛ جَمَیْرِي، الروض المعطار، ج ۱، ص ۲۲).

۴. نولدکه، تاریخ القرآن، ص ۲۸۷؛ پارسا، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، ص ۸۶.

این مستشرق در نهایت به این نتیجه می‌رسد که عثمان برای یکسان‌سازی مصاحف، تنها به استنساخ مهم‌ترین مصاحف موجود در مدینه پرداخت.^۱

بررسی آرای نولدکه و شوالی

این دو مستشرق به پاره‌ای از موارد، مانند عدم اعتبار روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر، ماجرای یمامه، تعداد و نام اعضای گروه کتابت قرآن در زمان عثمان، مبالغه‌آمیز بودن تصویر جمع قرآن در زمان خلفا، ایراد کرده‌اند، اما به برخی از دیدگاه‌های ایشان اشکالاتی وارد است:

الف. آرای نولدکه با روایاتی که جمع قرآن را به پیامبر ﷺ و دستور ایشان منتسب می‌کنند در تعارض است.

ب. چگونه نولدکه کتابت زید در زمان ابوبکر را نمی‌پذیرد، ولی زید را برای کتابت در زمان عثمان مناسب می‌داند و معتقد است که زید مصحف حفصه را نوشته است؟ مگر مصحف حفصه، همان مصحفی نبود که در زمان ابوبکر به وسیله زید نوشته شد؟ پس چگونه وی، کتابت در زمان ابوبکر را نمی‌پذیرد؟

۳-۶. رژی بلاشر

رژی بلاشر خاورشناس فرانسوی (۱۹۰۰-۱۹۷۳م) از کسانی است که در کتاب خود، در *آستانه قرآن* به موضوع جمع‌آوری قرآن پرداخته است. بلاشر با این که گردآوری قرآن را به خلفای پس از پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد با این حال روایات مربوط به جمع‌آوری قرآن را هم متناقض می‌بیند. او در مورد ماجرای ملاقات ابوبکر و عمر با زید می‌گوید:

عمر متوجه شد که بخش‌هایی از قرآن هنوز کتابت نشده است و در معرض

خطر نابودی قرار دارد. بنابراین، این ترس خود را با ابوبکر در میان نهاد و خلیفه،

زید بن ثابت بیست ساله را که کتابت سریانی می‌دانست و کاتب پیامبر بود و

۱. همان؛ همان.

همه معتقد بودند که تمام وحی را از حفظ دارد، را مأمور این کار کرد. زید که از جسارت نقشه عمر به هیجان آمده بود ابتدا فریاد کشید: چگونه می‌توانم کاری را انجام بدهم که رسول الله انجام نداده است؟... با این حال، سرانجام زید تسلیم اصرار ابوبکر و عمر شد، و گفت: جابه‌جا کردن یک کوه برای من سنگین‌تر از انجام چنان کاری نبود که از من تقاضا شد. بدین ترتیب، زید توانست به بهای تلاش بسیار، تمام آیاتی را که تا آن وقت بر سنگ‌های مسطح، پاره سفال‌ها، استخوان کتف گوسفند و شتر مکتوب بودند، جمع‌آوری کند و سپس بر روی اوراق (صحف) منتقل نماید.^۱

بلاشر درباره جمع قرآن در دوران ابوبکر می‌گوید:

در این‌جا مسئله تاریخ گردآوری قرآن به وسیله زید بن ثابت روشن نیست. وقتی زید شروع به کار نمود. پانزده ماه به مرگ ابوبکر مانده بود. زید بنا بر دستور ابوبکر، وحی را دوباره از روی تکه‌های چرم و استخوان‌های کتف و غیره رونویسی کرد، ولی تمام آن را در عهد عمر نوشت.

این مستشرق معتقد است، روایات مربوط به جنگ یمامه، رابطه مستقیمی میان این دوره و تدوین مصحف ابوبکر به وسیله زید بن ثابت برقرار می‌کند. چون زید اهل مدینه بود و سه همکارش از اهالی مکه بودند، خلیفه تصمیم گرفت در صورت بروز اختلافی، شکل مکی کلمه قابل قبول باشد.^۲

این مستشرق درباره کمیته تدوین قرآن در زمان عثمان، افرادی، مانند سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن بن حارث را اریستوکرات؛ یعنی وابسته به طبقه اعیان و

1. Blacher, Introduction au Coran, Paris: Maisonneuve, 1947, p.31.

۲. همان؛ ربیع نتاج و حیدری، «بررسی دیدگاه بلاشر و گلدزیهر پیرامون نگارش قرآن»، قرآن پژوهی خاور شناسان، ش ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

اشراف و حافظ منافع آنها می‌داند. بلاشر درباره زید که به دلیل مدنی بودن، دور از هر نوع انگیزه اریستوکراسی قرار داشت، می‌گوید:

زید خواسته‌های این سه نفر را فهمید و از باب تملق و مراعات با آنها همکاری کرد.

این مستشرق معتقد است که کار با یک جمع اضافه و تصحیح مصحف ابوبکر- زید بن ثابت، پایان گرفته است. بلاشر در این باره می‌گوید:

از آن‌جا که متن دقیقی از عصر عثمان در دست نداریم، ما در مورد کار این خلیفه، جز به حدس و گمان، چیزی نمی‌توانیم بگوییم.

بلاشر در نهایت در این باره می‌گوید:

به تنها واقعیتی که می‌توان اعتماد داشت، این است که گروهی به رهبری عثمان، مشغول ضبط آیات قرآنی شدند و بقیه مطلب در ابهام می‌ماند.^۱

۶-۳-۱. بررسی آرای بلاشر

به نظر می‌رسد، برخی از نقدهایی که بلاشر به اختلاف در اسامی و تعداد کاتبان در زمان عثمان، مشکل فقدان یک مجموعه وحی به عنوان دلیل جمع‌آوری قرآن، اختلاف در روایات و اخبار تاریخی و مشخص نبودن تاریخ جمع‌آوری قرآن به وسیله زید در زمان عثمان وارد می‌کند، قابل قبول است.

با این حال، این که او معتقد است که زید بن ثابت، کاتب پیامبر ﷺ بود و نامه‌های پیامبر ﷺ را ترجمه می‌کرد و پس از مأموریت، قرآن را از روی پاره سفال‌ها و استخوان کتف گوسفند و شتر جمع‌آوری می‌نمود، با توجه به دلایلی که بیان شد، با تردید همراه است. نقدی که به بلاشر وارد می‌شود، این است که وی در موضوع جمع‌آوری و تدوین

۱. همان.

قرآن با این که به کتاب‌های اهل سنت مراجعه کرده است ولی به همه روایات موجود در کتاب‌های ایشان توجه نکرده است.^۱

نویسنده کتاب پژوهش‌های قرآنی و وحی درباره نظر اریستوکراسی بلاشر می‌نویسد:
این سخن بلاشر، آن‌چنان بی‌پایه و متناقض است که آخر آن اولش را
تکذیب می‌کند، وی در توجیه همکاری زید با سه شخص دیگر دچار تکلف
سست و غلطی شده است و به همین دلیل است که نتیجه‌گیری وی در این
موضوع فاسد است و برهیچ پایه عقلی و نقلی استوار نیست.^۲

۴-۶. جان برتون

جان برتون (۱۹۲۹م - ...) ^۳ استاد ادبیات عرب دانشگاه ادینبورگ ^۴ معتقد است، تمامی روایات جمع‌آوری قرآن در زمان ابوبکر و عثمان جعلی هستند و قرآن به شکل امروزی در زمان پیامبر ﷺ جمع‌آوری شده است، اما درباره ملاقات زید با ابوبکر و عمرو و پیشنهاد آنها به زید برای جمع‌آوری قرآن می‌گوید:
در این روایت صداقت اخلاقی و عدالت زید تأیید می‌گردد و علو سند
مصحف او تا پیامبر ﷺ در برابر صحابه مسن‌تر تثبیت می‌شود. زید آخرین حلقه
رابطه تاریخی بین دوران خلافت مدنی و دوران پیامبر ﷺ است. بنابراین
طراحی مصحف ابوبکر به منظور ملغی ساختن تمام مصاحف دیگر بود.

وی ادعا می‌کند که روایات جمع‌آوری قرآن به گونه‌ای مستند شده‌اند که نشان دهند مصحف ابن مسعود متقدم بر مصحف زید بن ثابت بوده است. برتون معتقد است،

۱. ر.ک: صبحی صالح، پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، ص ۱۳۸-۱۴۰.

۲. صبحی صالح، پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، ص ۱۳۷؛ کاظمی کاشانویی، «نقدی بر آرای رژی بلاشر»، رشد آموزش قرآن، ش ۳، ۱۳۸۲.

3. Juhn Burton.

4. University of Edinburg.

مدافعان سنت به این دلیل روایت زید بن ثابت، صحابه جوان تر را بر روایت عبدالله بن مسعود، صحابه مسن تر ترجیح می دهند که تا آخر عمر پیامبر ﷺ، امکان نسخ برخی از آیات وجود داشت و ایشان قرآن را در یک مجلد قرار نداد.^۱

بررسی آرای جان برتون

درباره دیدگاه‌های جان برتون می توان گفت که برتون از این ملاقات زید و از این که جابه‌جا کردن کوه‌ها برایش آسان تر بوده است، پی به صداقت اخلاقی و عدالت زید و هم‌چنین برتری سند مصحف زید برده است که البته، ملاک برتری سند از دید ایشان به درستی مشخص نیست؟ هم‌چنین، او بر چه مبنایی می گوید که زید آخرین، حلقه رابطه تاریخی بین دوران خلافت مدنی و دوران پیامبر ﷺ است؟

۲. جمع بندی

۱. انتخاب زید بن ثابت برای سرپرستی جمع‌آوری قرآن به دلیل وابستگی او به دستگاه خلافت بوده است و هیچ‌گونه فضایل خاصی در او وجود نداشته است. به دلیل آن که او پیشنهاد جمع‌آوری قرآن را پذیرفت، فضیلت‌تراشی‌های بسیاری برای او انجام گردید که در این مقاله بررسی شدند.

۲. برخی مطالب گزارش‌های تاریخی، باید دوباره بررسی شوند. به عنوان نمونه، جنگ یمامه موجب اضطراب خلیفه گردیده است و این امر منجر به جمع قرآن شده است. در صورتی که بررسی جنگ یمامه و کشته‌شدن حافظان قرآن، خلاف این امر را ثابت می‌کند.

۳. زید سرپرستی گروه جمع‌آوری قرآن را در دوره عثمان برعهده داشت، ولی نباید از این دور منطقی غافل بود که زید قرآنی را مبنای کار خود قرار داد که برای خلیفه اول

۱. پارسا، فروغ، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، ص ۱۱۳-۱۱۵؛ ر.ک: جان برتون، جمع قرآن، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

نوشته بود و او هم به خلیفه دوم داده بود و خلیفه دوم آن را به حفصه بخشیده بود و دوباره همین قرآن مبنای کار زید قرار گرفت. به راستی، چرا قرآنی که ابوبکر نوشت، به دخترش، عایشه به ارث نرسید؟ ولی خلیفه دوم توانست آن را به دختر خود هدیه دهد؟

۴. بنابر گزارش‌های تاریخی چند مصحف، مانند مصحف عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب در بین مسلمانان مشهور بوده است، با وجود این مصاحف، انگیزه جمع قرآن چه می‌توانست باشد؟ چرا در مسئله جمع قرآن با زید مخالفت می‌شده است؟ و پرسش‌های دیگری که مقاله‌های متعدد تخصصی خود را می‌طلبند.

۵. به هر حال، درباره جمع‌آوری قرآن در زمان خلفا با گزارش‌های متفاوتی روبه‌رو هستیم که هر کدام از آنها، نیازمند بررسی دوباره از سوی صاحب‌نظران هستند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد بن ادريس بن منذرِ تمیمی حنظلی رازی، تفسیر القرآن العظيم (مسنداً عن رسول الله و الصحابه و التابعین)، تحقیق اسعد محمّد طیب، ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۳. ابن اثیر، علي بن محمّد، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵ م.
۴. ابن حبان بستی، ابوحاتم، الثقات، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۵ ق.
۵. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۶۴ م.
۶. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تصحیح علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، عقد الفريد، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۶۷ م.
۸. ابن عطیة، ابومحمد، مقدمتان في علوم القرآن، تحقیق آرتور جفري، بیروت: مؤسسة دي غويه، ۱۹۳۷ م.
۹. ابن قتیبه دینوری، المعارف، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م.
۱۰. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، البداية والنهاية فی التاريخ، بیروت: دار الهدی، ۱۹۷۴ م.
۱۱. ابن ماجه قزوینی، ابوعبدالله، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. احمد امین، فجر الاسلام، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. آزادی، پرویز و جانی پور، محمد، «نقد و بررسی آرای مستشرقان در خصوص شخصیت زید بن ثابت»، مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، شماره اول، پاییز و زمستان ۹۱.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۳۷۷ ق.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، تصحیح شیخ محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۴ م.
۱۷. _____، فتوح البلدان، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸ م.
۱۸. پارسا، فروغ، خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. جان برتون، «جمع قرآن»، ترجمه محمد جواد اسکندرلو، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

۲۱. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۳۹۲ م.
۲۲. حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، چاپ ۳۰، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۲۳. حسینی جلالی، محمدحسین، دراسة حول القرآن الکریم، بیروت: مؤسسة اعلمی، ۱۴۲۲ ق.
۲۴. حَمِیرِی، محمد بن عبدالمنعم، الروض المعطار، به کوشش احسان عباس، بیروت: دار صادر، ۱۹۸۰ م.
۲۵. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۲۶. دارمی، عبدالله بن بهرام، سنن دارمی، دمشق: مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ ق.
۲۷. ذهبی، شمس الدین، تذکرة الحفاظ، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۸ م.
۲۸. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹.
۳۰. ربیع نتاج، سیدعلی اکبر و حیدری، محمدصادق، «بررسی دیدگاه بلاشر و گلدزیهر پیرامون نگارش قرآن»، قرآن پژوهی خاور شناسان، ش ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۳۱. زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۳۲. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۳۳. زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ قرآن، تبریز: کتابفروشی سروش، ۱۳۸۶.
۳۴. سجستانی، ابی بکر بن ابی داود، المصاحف، قاهره: الفاروق الحدیثه للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ق.
۳۵. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الاثقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۳۶. صبحی صالح، پژوهش های درباره قرآن و وحی، ترجمه محمد مجتهد شبستری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۷. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
۳۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، قاهره: مکتبه ابن تیمیه، ۱۳۹۸ م.
۳۹. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل، بیروت: بی تا.
۴۱. _____، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: مکتبه المرتضویة، ۱۳۸۷.

۴۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، حقائق هامة حول القرآن الکریم، بیروت: دار الصفوة، ۱۴۲۴ق.
۴۴. _____، حقایق مهم پیرامون قرآن، قم: حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۴۵. عسقلانی، ابن حجر، الاصابة فی تمييز الصحابة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
۴۶. _____، تهذیب التهذیب، بیروت: دار صادر، بی تا.
۴۷. _____، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.
۴۸. _____، فضائل القرآن، بیروت: مکتبه الهلال، ۲۰۰۳م.
۴۹. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۵۰. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۵۱. کاظمی کاشاننوی، شهاب، «نقدی بر آرای رژی بلاشر»، رشد آموزش قرآن، ش ۳، ۱۳۸۲.
۵۲. کریمی نیا، مرتضی، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹.
۵۴. کورانی عاملی، علی، تدوین القرآن، قم: نشر دارالقرآن الکریم، بی تا.
۵۵. _____، تدوین قرآن، ترجمه سید محمود عظیمی، تهران: سروش، ۱۳۷۹.
۵۶. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیانی، بیروت: مؤسسه رساله، ۱۴۰۹ق.
۵۷. محمدی ری شهری، محمد، شناخت نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۱.
۵۸. مروتی، سهراب، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن، تهران: رمز مروتی، ۱۳۸۱.
۵۹. مزی، جمال الدین، اکمال تهذیب الکرمال فی تهذیب الرجال، تحقیق بشار عواد معروف، قم: مؤسسه اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
۶۰. معارف، مجید، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران: نیا، ۱۳۸۳.
۶۱. _____، تاریخ عمومی حدیث، تهران: کویر، ۱۳۸۴.
۶۲. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۸.
۶۳. _____، تاریخ قرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۷.
۶۴. مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۱ق.
۶۵. مؤدب، سید رضا، روش های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم، انتشارات اشراق، ۱۳۸۰.

۶۶. نجمی، محمدصادق و هریسی، هاشم، شناخت قرآن، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۹.
۶۷. نولدکه، تنودور، تاریخ القرآن، تعریب جورج تامر، بی‌جا: دار نشر، جورج المزم، ۲۰۰۴ م.
۶۸. یاقوت حموی، ابو عبدالله شهاب‌الدین، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق.
69. Blacher, Reges, *Intruduction au Coran*, Paris: Maisonneuve, 1947.
70. Theodor Nöldeke, *Geschichte des Qorans*, Göttingen, 1860.

